

دکتر معصومه باقری^۲ و سجاد بهمنی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۲

تاریخ وصول: ۹۳/۹/۱۳

چکیده:

بررسی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت شهروندان، با توجه به تغییرات سبک زندگی و ذائقه‌ی انسان معاصر از موضوعات مورد علاقه‌ی جامعه‌شناسان می‌باشد. این تحقیق در راستای کسب آگاهی از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت شهروندان شهر اهواز انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات از همه‌ی شهروندان اهوازی به لحاظ محدودیت زمانی و مشکلات مالی، غیر ممکن بود؛ لذا پس از محاسبه‌ی حجم نمونه، از بین کل شهروندان شهر اهواز تعداد ۴۰۰ نفر به صورت تصادفی بعنوان نمونه‌ی تحقیق انتخاب شد و داده‌های مورد نظر جمع‌آوری گردید.

مفاهیم کلیدی: اوقات فراغت، سبک زندگی، اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی

^۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان بررسی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت شهروندان استان خوزستان می‌باشد.

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده‌ی مسئول)

maba_65@hotmail.com

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه اصفهان sajadbahmaee@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

انسان در طول حیاتش همواره با مسائل متعدد و متنوعی مواجه بوده است از جمله مسائلی که در دو دهه‌ی اخیر بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است اوقات فراغت و چگونگی گذران این اوقات می‌باشد که با تحولات اجتماعی و پیشرفت علوم و تکنولوژی بعنوان یک مسأله‌ی جدی و اثرگذار در امور مختلف جامعه‌ی بشری، مطرح می‌باشد. توجه به پدیده‌ی یا نهادی به نام "فراغت" در عصری که "تهاجم فرهنگی" بیش از هر دوره‌ای فرهنگ و نگرش مذهبی و جهت‌گیری اجتماعی - سیاسی مردم ما را تهدید می‌کند، اهمیت بسزایی پیدا می‌کند. چرا که انسان‌ها غالباً بیش از آنکه در چارچوب قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌ها بندیشند و عمل کنند، تحت تأثیر افکار و نگرش‌هایی هستند که به گونه‌ای دلخواه و آزادانه و مسرت‌جویانه در شرایطی فارغ از تعهدات و الزامات اجتماعی و سازمانی و گروهی اختیار می‌کنند؛ بطوریکه ممکن است این انتخاب بر اساس جهت‌گیری‌های خودخواهانه و نفس‌پرستانه و نتایج آن به ضرر جامعه و انسجام آن باشد و یا براساس سوگیری‌های ارزشی اجتماع، دیگرخواهانه و کمال‌جویانه بوده و نفع فرد و جامعه را تضمین نماید. در حقیقت قرن ما قرن فروریختن و دگرگونی معیارهای متداول است. امروزه، هر روز اختراعی و جریانی زندگی افراد را دستخوش تغییر قرار میدهد و هر روز روابط خاصی را حاکم بر ارتباطات بین افراد جامعه می‌کند. در این میان، روابط خاص اجتماعات شهری ایجاب می‌کند که فرد همواره از مقررات و نظامات جامعه‌ی خود پیروی کند تا مکانیزم جامعه، بصورت سالمی برقرار باشد. امروزه اغلب محیط‌های کاری در شهرها دگرگون شده و شرایط کاری، کار کردن را دشوار کرده است و اغلب اشخاص به کارهایی گمارده شده‌اند یا می‌شوند که به آن علاقه‌ای ندارند. تشویش، نگرانی، خستگی روحی، افسردگی، ناپهنجاری رفتاری، عصبانیت و ... تظاهرات عکس‌العمل‌های روانی انسان شهری در مقابل این پدیده‌ها است؛ بنابراین نیاز انسان به گذراندن اوقات فراغت چه در قالب امکانات محلی و چه در حیطه‌ی صنعت جهانگردی غیر قابل انکار می‌باشد. دومایه معتقد است که، فراغت ما را در حالت مرخصی کامل نه مرخصی غیر فعال قرار می‌دهد. فعالیت‌های فراغتی به خصوص ورزش؛ سهم بسزایی در اجتماعی کردن جوانان دارند. سیر و سفر اعم از داخلی یا خارجی چه به منظور تنوع‌طلبی و سرگرمی، چه گذران اوقات فراغت، دید و بازدید و یا خرید بخش جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی انسان‌ها، خاصه شهرنشینان درآمده است.

اوقات فراغت بعنوان یک پدیده‌ی فرهنگی، اجتماعی که در ابعاد اقتصادی، سیاسی و ... نیز مؤثر است. موضوع مشترک بین تمامی اقشار جامعه است. اوقات فراغت به جهت داشتن ویژگی‌های خاص، از یک‌سو مورد توجه و عنایت دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و

مسئولان امور فرهنگی و ... و از طرف دیگر روانشناسان و جامعه‌شناسان و ... قرار گرفته است، که بیشتر از سایر اقشار جامعه، نوجوانان و جوانان مورد توجه خاص می‌باشند، اما متأسفانه یکی از مؤثرترین قشرهای جامعه که در ارتباط مستقیم با این قشر عظیم اجتماعی می‌باشند و می‌توانند بیشترین تأثیر را استفاده صحیح از اوقات فراغت و بهره‌وری از آن داشته باشند، به فراموشی سپرده شده‌اند. متأسفانه شواهد نشان می‌دهد که، با همه‌ی اهمیتی که دانشجویان جوان در توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و ... جامعه (از طریق تربیت و هدایت صحیح نسل آینده بعنوان یکی از بزرگ‌ترین اقشار اجتماعی جامعه‌ی امروز ما) بر عهده دارند، بسیاری از آنان بنا به عللی از جمله، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی و ... نه تنها اوقات فراغت بلکه بخش عمده‌ای از وقت روزانه‌ی خود را صرف تأمین نیازهای مادی خویش می‌نمایند و بطوری که عملاً فرصت لازم برای رشد علمی و مهارتی و تأمین سلامت جسمی و روانی و ... در نهایت انجام مسئولیت تحصیلی خود به نحو صحیح و شایسته وجود ندارد؛ و عملاً اوقات فراغت با همه‌ی آثار سازنده و مثبت خود جایگاه اصلی خود را بعنوان فرصتی برای انجام فعالیت‌های دلخواه و مطلوب نظر، در زندگی دانشجویان از دست داده است. بنابراین چون افراد، جامعه را تشکیل می‌دهند، فراغت مناسب به برنامه‌ی کلان هر جامعه کمک خواهد کرد. تنظیم اوقات فراغت سبب بهره‌گیری و سازندگی روح و روان است و عدم استفاده‌ی صحیح از این اوقات باعث کسالت روح خواهد شد. از سویی فراغت پشت فراغت امور زندگی را مختل می‌کند؛ از این‌رو ضرورت توجه به این اوقات غیر قابل انکار است به طوری که زیادی فراغت و خواب در لسان معصومان (ع) مایه‌ی بغض پروردگار عالم است. اهمیت استفاده‌ی صحیح از اوقات فراغت تا آنجا به ما سفارش شده است که باید زمانی اختصاصی برای آن قرار دهیم. امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: "اجتهدوا فی ان یکون زمانکم اربع ساعات: ساعة لمناجاة الله و ساعة لامر معاش و ساعة لمعاشرة الاخوان و الثقة الذين يعرفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن و ساعة تخلون فیها للذاتکم فی غیر محرم" و بهذه الساعة تقدرون علی الثلاث ساعات (حرانی، ۱۴۰۴ ه. ق.). امام (ع)، در این روایت، مسلمانان را به تقسیم اوقات خود به چهار بخش، توصیه می‌فرمایند:

۱- اختصاص ساعاتی برای ارتباط و راز و نیاز با خداوند.

۲- اختصاص زمانی برای کار و تلاش.

۳- اختصاص ساعاتی برای ارتباط با دیگران و افراد نیکی که با خلوص نیت عیوب

آدمی را متذکر شوند.

۴- اختصاص اوقاتی برای درک لذت‌های حلال و تفریحات سالم که در اینجا به

اوقات فراغت تعبیر می‌کنیم.

این گونه سفارش‌ها که دامنه‌ی وسیعی از تراث حدیث شیعه را به خود اختصاص داده، نشان از کامل بودن این مکتب است. این اهمیت، نگارنده را واداشت تا در این باره تحقیقی ارائه دهد. باید بررسی نمود، اسلام بعنوان کامل‌ترین دین، چه راه‌کارهایی را برای استفاده‌ی بهینه از این اوقات به مخاطبان این دین ارائه کرده است. در جریان زندگی انسان‌ها، گاهی از روی میل و زمانی به اجبار فرصت‌هایی با ویژگی اوقات فراغت به وجود می‌آید؛ بطور کلی دو دیدگاه برای اوقات فراغت وجود دارد:

دیدگاه نخست سطحی و عوامانه است که به اوقات فراغت بعنوان یک کار جنبی می‌نگرد و دیدگاه دوم علمی و تحقیقی است. انتخاب هر یک از این دو دیدگاه چه از سوی فرد و چه از سوی دست‌اندرکاران تربیتی، نتایج متفاوتی در بر خواهد داشت (موظف رستمی، ۱۳۷۹: ۲۵-۱۸). در میان منابع اسلامی ارزش فراوانی به وقت آدمی داده شده و بر استفاده‌ی بهینه از آن تأکید شده است. امیر مؤمنان (ع) فرصت‌های عمر را چونان ابری شتابان و در گذر توصیف کرده و ما را به غنیمت دانستن آن، سفارش کرده است (آمدی، ۱۳۶۶)، مردم اغلب فراغت را معادل بیکاری در نظر می‌گیرند. باید دانست که اوقات فراغت با بیکاری تفاوت دارد. بیکاری ایامی است که فرد، شغل خود را به طور موقت یا دائم از دست می‌دهد ولی فراغت هنگامی است که فرد شاغل، زمانی از وقت خود را فارغ از کار بطور دلخواه می‌گذراند (موظف رستمی، ۱۳۷۹). بطور کلی سه راه برای گذران اوقات فراغت وجود دارد: راه نخست زمانی است که ما این اوقات را بر اساس آموزه‌های وحیانی گذرانده که به موجب آن گامی در جهت کمال خود برداشته‌ایم. روش بعدی از آن گروهی است که با روی آوردن به اعمال ضد ارزشی به ایجاد ناهنجاری‌ها در جامعه پرداخته و خود و دیگران را اذیت می‌کنند؛ راه سوم راهی است خنثی که در آن شخص در اوقات فراغت نه به کارهای خوب و نه به اعمال ناشایست مبادرت می‌ورزد بلکه به گونه‌ای سعی در گذران این دوران را دارد. اگر چه عمل کردی این چنینی از اقسام اتلاف وقت محسوب می‌شود ولی مزیت آن به نوع دوم به این است که فرد، مزاحمتی برای دیگران ایجاد نمی‌کند.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده درباره‌ی اوقات فراغت در خارج از کشور فراوان، اما در داخل کشور پژوهش‌های انجام شده محدود است و هنوز جای تحقیقات فراوان بر روی ابعاد مختلف این پدیده وجود دارد. در این قسمت در ابتدا به برخی تحقیقات عمده‌ی انجام شده در داخل و سپس تحقیقات خارجی پرداخته شده است.

الف) تحقیقات داخلی

در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر میزان گذران فراغت در بین دانش‌آموزان شهرستان آباده که یک نمونه‌ی ۵۰۰ نفری از دخترها و پسرهای دبیرستانی را در بر می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده‌ی آن است که به ترتیب متغیرهای استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، میزان دلبستگی به دوستان، مذهبی بودن و دلبستگی به مدرسه بر روی هم، ۳۶/۱ درصد تغییرات را در میزان اوقات فراغت دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند (خواجهنوری و مقدس، ۱۳۸۷).

نتایج مطالعه‌ای در سال ۱۳۸۲ در دانشجویان دختر دانشگاه‌های زنجان نشان داد که در میان فعالیت‌های اوقات فراغت، شنیدن موسیقی، تماشای تلویزیون، و همصحبتی با دوستان به ترتیب در اولویت‌های اول تا سوم و پرداختن به ورزش در اولویت دهم قرار داشت (رحمانی‌فر و دیگران، ۱۳۸۵).

در تحقیق جهانبخش (۱۳۷۸)، تماشای تلویزیون بعنوان اولویت دوم دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اراک و اولویت چهارم دانشجویان آزاد اسلامی رودهن بوده است و در پژوهش فرج‌اللهی (۱۳۷۳)، استفاده از تلویزیون اولویت اول فعالیت‌های فراغتی پاسخگویان آزاد اسلامی همدان بشمار می‌رفت؛ همچنین میزان تماشای تلویزیون برای دانشجویان دانشگاه‌های ترکیه بیش از ۳ ساعت در روز اعلام شده است (صفانیا، ۱۳۸۰) و شنیدن موسیقی بعنوان یکی از فعالیت‌های مورد علاقه‌ی دانشجویان دانشگاه تایوان اعلام شده است (همان).

در پژوهش صالحین تحت عنوان نحوه‌ی صرف وقت زنان روستایی نتایج حاکی از آن است که اگر چه زنان روستایی بخش قابل توجهی از وقت و انرژی خود را صرف فعالیت‌هایی می‌کنند که غالباً در محاسبات تولید و درآمد ملی نادیده گرفته می‌شود. انعکاس نادیده‌انگاری در افزایش نابرابری و کاهش بهره‌مندی آنها از منابع و فرصت‌هاست. زنان مورد مطالعه بیش از دو سوم اوقات بیداری خود را صرف فعالیت‌های تولیدی می‌کنند. این رقم به طور متوسط برابر ۱۰ ساعت و ۲۶ دقیقه در شبانه‌روز است؛ همچنین این زنان به طور متوسط در شبانه‌روز حدود ۱۷ دقیقه وقت به نظافت، درمان و اوقات فراغت خود اختصاص می‌دهند و آموزش و مطالعه در الگوی صرف وقت آنها جایی ندارد (صالحین، ۱۳۸۲: ۵۹-۳۱).

پوراسماعیل در سال ۱۳۸۵ پژوهشی با عنوان بهره‌وری از اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه‌شناسان و مقایسه‌ی آن با آموزه‌های وحیانی انجام داده است. این پژوهش که اوقات فراغت را از دیدگاه قرآن و احادیث بررسی می‌کند و نتایج بدست آمده حاکی از آن است قرآن و روایات براین باورند که اوقات فراغت زمانی است که بیشتر انسان‌ها از آن

استفاده‌ی مفید و کامل نبرده و به اموری غیر از رضای الهی گام برمی‌دارند از این‌رو با بررسی قرآن و حدیث ملاحظه می‌شود دین مبین اسلام به چگونگی گذران فراغت توجهی ویژه داشته و راه‌کارهای بسیاری را فرا روی بشر نهاده است که ویژگی آن رشد و کمال انسان‌ها به سوی هدف آفرینش است (پوراسماعیل، ۱۳۸۵: ۲۰۶-۱۸۳).

ب) تحقیقات خارجی

فعالیت‌های اوقات فراغت دوران بچگی و نوجوانی عموماً برای رفتارهای اوقات فراغت، در دوران بزرگسالی بسیار مهم تلقی گردیده است (تامپسن^۱ و دیگران، ۲۰۰۳؛ فیلیپ^۲، ۱۹۹۸؛ هامبر^۳ و دیگران، ۲۰۰۶). علاقه به مطالعه درباره‌ی اوقات فراغت در نوجوانان و جوانان از اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی در خارج از ایران شدت یافته است (فیلیپ، ۱۹۹۸؛ کالدول^۴، اسمیت^۵ و ویزینگر^۶، ۱۹۹۳). این روند در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی، افزایش بیشتری یافت تا جایی که جنبه‌های مختلف تجربه‌ی اوقات فراغت جوانان را در برگرفت (فیلیپ، ۱۹۹۸). از جمله می‌توان به فعالیت‌های اوقات فراغتی منحرفانه (رابرستون^۷، ۱۹۹۴)، فعالیت‌های اوقات فراغت و پیشرفت تحصیلی در دبیرستان‌ها (برگین^۸، ۱۹۹۲)، فعالیت‌های اوقات فراغت و شکل‌گیری هویت در جوانان (شاو^۹ و دیگران، ۱۹۹۵)، مذاکره‌ی اجبارهای اوقات فراغت توسط جوانان (جکسون^{۱۰} و راک^{۱۱}، ۱۹۹۵) و یا اعتماد به نفس جوانان و اجبارهای اوقات فراغت (جکسون و راک، ۱۹۹۵؛ کی^{۱۲} و جکسون، ۱۹۹۱؛ مک می‌کینگ^{۱۳} و پرکایاستا^{۱۴}، ۱۹۹۵؛ و رایمر^{۱۵} و دیگران، ۱۹۹۴) اشاره کرد.

در مطالعه‌ی واگنر و همکارانش، ملاحظه شد که به دلیل فقدان منابع اوقات فراغت برای برخی از گروه‌های اقلیتی، درگیر شدن جوانان در فعالیت‌های اوقات فراغتی سالم محدود شده است؛ لذا بسیاری از جوانان وقت خود را در گروه‌های خارج از خانه و در

¹ Thompson

² Philipp

³ Humber

⁴ Caldwell

⁵ Smith

⁶ Weissinger

⁷ Roberston

⁸ Bergin

⁹ Shaw

¹⁰ Jackson

¹¹ Rucks

¹² Kay

¹³ Mc Meeking

¹⁴ Purkayastha

¹⁵ Raymore

خیابان‌ها سپری کرده‌اند (واگنر و دیگران، ۲۰۰۶). کلارک در تحقیق خود بین اوقات فراغت و منزلت شغلی رابطه‌ی معنادار خطی مشاهده کرده است (کلارک، ۱۹۵۶). وایت نیز درباره‌ی تمایزات طبقاتی و اوقات فراغت مشاهده کرد که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در استفاده از اوقات فراغت وجود دارد؛ همچنین طبقات متوسط رو به بالا ساعات بیشتری را صرف اوقات فراغت می‌کنند. از سوی دیگر الگوی انجام اوقات فراغت (لارابی، ۱۹۶۱). برخی از نتایج، نیز با تغییر در پایگاه طبقاتی و سن افراد تغییر می‌کند.

در تحقیقات انجام شده تأثیر عوامل اجتماعی ای همچون حمایت و کنترل خانواده و دوستان را در بهبود میزان مشارکت جوانان در فعالیت های بدنی مورد تأیید قرار داده‌اند (هامبر و دیگران، ۲۰۰۶؛ کالدول و دارلینگ، ۱۹۹۹). مطالعاتی دیگر رابطه‌ی بین مذهب و انجام فعالیت‌های اوقات فراغت را مهم یافته‌اند (استودولسکا و لیونگود، ۲۰۰۶؛ فرانک، ۲۰۰۶). در برخی از مطالعات دیگر بر نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دگرگونی شیوه‌ی زندگی (که انجام فعالیت‌های اوقات فراغت بخشی از آن است) تأکید شده است (هلد، ۲۰۰۳؛ هاملینک، ۱۹۹۷). بر این اساس این فناوری‌ها وانند نحو ه و میزان گذران اوقات فراغت جوانان را دگرگون کنند.

در مطالعه‌ای در دانشگاه لوبلین در بین دانشجویان داروسازی مشخص شد که خانم‌ها ساعات فراغت بیشتری نسبت به آقایان دارند و مهم‌ترین فعالیت‌های آنها استراحت ۶/۸ ساعت، مطالعه ۳/۶ ساعت، گوش دادن به رادیو ۲/۹ ساعت، صحبت با دوستان ۱/۹ ساعت، بهداشت فردی ۱/۱، تماشای تلویزیون ۱/۱ ساعت و انجام کارهای منزل بوده است (زایک و دیگران، ۲۰۰۲).

نتایج تحقیق دیگری در کانادا بیانگر آن بود که میانگین ساعت فعالیت‌های فیزیکی زنان در هفته در محیط شغلی ۲۳ ساعت و در اوقات فراغت ۴/۸۰ ساعت بوده است (فرایدنریش، ۱۹۹۸). در مورد فعالیت‌های فیزیکی در محیط شغلی نتایج تحقیقی در دانمارک نشان داد که ۲۸ درصد زنان فعالیت شغلی سبک، ۲۷ درصد فعالیت شغلی به صورت معمولی و ۴۶ درصد فعالیت شغلی شدید داشتند (اسلر، کارستن، جن سن، ۲۰۰۱).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین جنس و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- بین سن و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- بین محل تولد و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴- بین وضعیت تأهل و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۵- بین وضعیت مسکن و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- ۶- بین وضعیت اشتغال و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۷- بین هزینه‌ی ماهیانه و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۸- بین میزان درآمد و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۹- بین منطقه‌ی محل سکونت و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۱۰- بین قومیت و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۱۱- بین ساعات فراغت و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۱۲- بین امکانات رفاهی - تفریحی شهر محل سکونت و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۱۳- بین احساس امنیت اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۱۴- بین رضایت از زندگی و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۱۵- بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهشی در این تحقیق میدانی (پیمایشی) با استفاده از پرسشنامه‌ی محقق ساخته بوده است و همچنین روش اسنادی می‌باشد. گزارش‌ها و کتب به طور کامل مورد بررسی قرار داده شد و اطلاعات لازم جهت بررسی موضوع پژوهش مورد نظر، از درون آنها استخراج گردیده است. در این تحقیق از شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌بندی چند مرحله‌ای^۱ استفاده شده است. با توجه به بررسی جوانب و محدودیت‌های زمانی، حجم نمونه‌ی مورد مطالعه را که شامل ۴۰۰ نفر از شهروندان است با توجه به جدول با سطح خطای معادل تعیین شد؛ و تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین به توصیف داده‌ها پرداخته شد و در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آزمون‌های آماری، از آزمون χ^2 (کی‌دو یا کای اسکور) و رگرسیون لجستیک و همچنین ضرایب فی، کندال، کرامرز و ضریب همبستگی استفاده گردیده است.

^۱ multistage cluster sampling

ضمن اینکه برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. بدین معنی که گزارشات و کتب و تحقیق‌های انجام شده را به طور کامل مورد بررسی قرار داده و اطلاعات لازم جهت بررسی موضوع پژوهش مورد نظر، از درون آن‌ها استخراج گردیده است. همان‌گونه که می‌دانیم "روش اسنادی" یکی از روش‌های مشاهده‌ای غیر مستقیم است، که بر اساس آن، شناخت نمودهای هستی از طریق جمع‌آوری اسناد و مدارک صورت می‌گیرد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد و در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آزمون‌های آماری متناسب با سطح داده‌ها و مفروضات آزمون‌های آماری، از آزمون *ANOVA* تحلیل واریانس یک‌طرفه، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون *T* تست، استفاده شده است؛ و در نهایت، با استفاده از این آماره مشخص می‌شود که کدامیک از فرضیات تحقیق، تأیید می‌گردد. ابزار تجزیه و تحلیل، رایانه و نرم‌افزار *SPSS ۱۳/۵* در آن اطلاعات خام پردازش گردید؛ همچنین از نرم‌افزارهای جانبی *word* و *Excel* جهت تایپ و ترسیم نمودارها استفاده گردید.

توصیف قلمرو زمانی و مکانی پژوهش

محدوده‌ی زمانی انجام تحقیق پاییز ۱۳۹۲ تا پاییز ۱۳۹۳ در شهر اهواز می‌باشد. شهرستان اهواز با مساحت ۷۸۴۸ کیلومتر مربع، بین ۴۸ درجه تا ۴۹ درجه و ۲۹ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۰ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۲ درجه عرض شمالی از خط استوا، در جنوب غربی ایران واقع شده است (معاونت آمار و انفورماتیک، ۱۳۸۰: ۱۰). شهر اهواز به دلیل مرکزیت استانی خود میزان جمعیت بالای آن بیشترین نرخ شهروندان را در استان به خود اختصاص داده است. بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت طی سال‌های گذشته در شهر اهواز نشان از بطلان و هرز رفتن این اوقات فراغت در میان افراد جامعه دارد. گرچه این رقم با عنایت به رابطه‌ی مثبت رشد استفاده از ماهواره‌ها می‌تواند بعنوان تابعی از افزایش کمی زمان فراغت بعلت گرمی هوا در این استان تلقی شود، لیکن آنچه بسیار اهمیت دارد نسبت این رشد است؛ بنابراین با توجه به شرایط ممکن، شهر اهواز قلمرو مکانی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند.

جمعیت شهر اهواز در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۸۰۴۹۸۰ نفر بوده که از لحاظ تعداد جمعیت در رتبه‌ی هفتم قرار داشت. این تعداد ۲۱/۵ درصد جمعیت کل استان و ۳۴/۴

درصد جمعیت نقاط شهری استان بوده است. جمعیت شهر اهواز در طول سال‌های ۱۳۵۵-۷۵، ۲/۴ برابر شده که بیانگر نرخ رشد متوسط سالانه به میزان حدود ۴/۵ درصد می‌باشد. این میزان در دوره‌های مختلف یکسان نبوده و از ۵/۶۶ درصد در دهه‌ی ۱۳۵۵-۶۵ به ۴/۵۶ درصد در دوره سال‌های ۷۰-۱۳۶۵ و ۲/۱۲ درصد در دوره ۷۵-۱۳۷۰ کاهش یافته است. کاهش تعداد موالید ثبت شده در نقاط شهری شهرستان اهواز از ۲۵۱۲۲ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۶۰۲۷ نفر در سال ۱۳۷۵ اثبات می‌کند که کاهش رشد جمعیت تا حدود زیادی مرهون متعادل شدن رشد باروری بوده است.

چهارچوب نظری پژوهش

واژه‌ی انگلیسی *Leisure* به نظر می‌آید که از واژه‌ی لاتین *Licere* مشتق شده به معنی مجاز بودن یا آزاد بودن است. از این‌رو واژه‌ی فرانسوی *Loisir* به معنی وقت آزاد و واژه‌ی انگلیسی *Leisure* به معنی مجوز یا آزادی عمل می‌باشد؛ بنابراین واژه‌ی فراغت در زبان ما با پیچیدگی معانی همراه است. عموماً بر حسب آزادی از اجبار، فرصت انتخاب، زمان اضافه‌ای که پس از کار باقیمانده باشد، یا بعنوان زمان آزادی که پس از وظایف ضروری اجتماعی باقی می‌ماند، تعریف می‌شود. به هر حال، طبق نظر پاریز، اوقات فراغت خود به منزله‌ی پدیده‌ای اجتماعی در الزامات و ضرورت‌های اجتماعی درگیر شده و به خوبی می‌تواند به منزله‌ی تجسمی از روش کلی زندگی به حساب آید. چنین عقیده‌ای فوراً مفهوم فرهنگ (پری و پری، ۱۹۷۷) را به میان می‌آورد.

یک برداشت سنتی این است که اوقات فراغت از فعالیت‌هایی ترکیب شده است که آموزنده و آگاهی‌بخش می‌باشند؛ بنابراین اوقات فراغت را به منزله‌ی دسته‌ای از فعالیت‌ها توصیف می‌کنند. نیومیرها (۱۹۵۸) اوقات فراغت را این‌طور تعریف می‌کنند: فراغت فرصتی است برای پرداختن به بعضی از فعالیت‌ها، خواه جدی یا نسبتاً غیر فعال، که ضرورت‌های زندگی اقتضا نکرده باشد. کاپلان (۱۹۶۰)، با توصیف اوقات فراغت به منزله‌ی فعالیتی متمایز از کار، بعنوان هدف به آن نگاه می‌کند؛ در حالی که خود کار وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف است. گروه بین‌المللی علوم اجتماعی اوقات فراغت در تعریفی از اوقات فراغت اظهار می‌کند:

اوقات فراغت شامل شماری از مشغولیت‌هاست که ممکن است شخص از اختیار خود در آنها برای استراحت، سرگرم ساختن خود، افزودن به دانش خود یا توسعه دادن مهارت‌هایش یا اینکه پس از انجام وظایف کاری، خانوادگی و اجتماعی، برای افزودن بر مشارکت داوطلبانه‌اش در فعالیت اجتماعی سود جوید.

نش (۱۹۶۰)، برای فعالیت‌های معینی کاربرد اوقات فراغت را در چهار سطح در نظر می‌گیرد: درگیری غیر فعال، عاطفی، فعال و خلاق. الگوی اوقات فراغت او کاربرد اوقات فراغت را با پیشرفتی در فعالیت‌های تفریحی، به همان شیوه درجه‌بندی نیاز محوری مازلو (۱۹۶۸)، نشان می‌دهد. نش برای هر سطح ارزشی قائل است. آنهایی که در رأس هرم هستند از ارزش در خور توجهی برخوردارند و آنهایی که در قاعده‌ی هرم قرار دارند از ارزش منفی برخوردار بوده و نامطلوبند.

کاپلان (۱۹۷۵)، پیچیدگی تعریف را نشان می‌دهد. از نقطه‌نظر جامعه‌شناسی هیچ چیزی را نمی‌توان فی‌نفسه بعنوان اوقات فراغت تلقی کرد و تقریباً هر چیزی را می‌توان اوقات فراغت دانست. این امر بستگی به عوامل دخیل در اوقات فراغت دارد. آنچه که به عنوان الگوی انسان‌گرایانه توصیف شده است، اوقات فراغت را فی‌نفسه بعنوان هدف تلقی کرده و حالتی از بودن به حساب می‌آورد. پی‌یر (۱۹۵۲)، بر این عقیده تأکید می‌کند. به اعتقاد ناکودا (۱۹۶۱)، مفهوم فراغت برای افراد غیر حرفه‌ای به منزله‌ی آن قسمت از زندگی روزانه‌ی فردی می‌تواند معنا پیدا کند که در آن شخص خود را از مقتضیات عادی مربوط به کار فارغ حس کرده و بر حسب علاقه‌ی شخصی در هر فعالیتی که بخواهد می‌تواند وارد شود - خواه کار باشد یا سرگرمی یا مراقبه.

امروزه اوقات فراغت آنقدر گسترده است که به نظر می‌رسد جهان غرب را مانند غولی اشتغال کرده است؛ اما از یک طرف اوقات فراغت بعنوان جنبشی بسیار بزرگ و سودبخش مورد توجه قرار گرفته که باعث اعتلا بخشیدن به کیفیت زندگی توده‌های مردم می‌شود، و از طرف دیگر بعنوان مشکل اصلی قرن بیستم درآمده است؛ به این دلیل که مردم درک صحیحی از اوقات فراغت ندارند چرا که، برای بعضی، زمان به کندی می‌گذرد یا به طور حریصانه خورده و تباه می‌شود. بی‌تردید اوقات فراغت می‌تواند به تحقق بخشیدن به زندگی افراد بیانجامد و منفعت‌هایی نیز برای اجتماع در پی داشته باشد.

به عقیده‌ی گادبی (۱۹۷۵)، آنچه افزایش یافته ضد فراغت است؛ یعنی فعالیتی که بی‌اختیار، بعنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی، از روی ناچاری، با الزامات شدید تحمیلی، با اضطراب زیاد، آگاهی از گذر زمان، کمترین حد آزادی فردی که مانع شکوفایی می‌شود، پذیرفته شده است. وی می‌نویسد: اگر بخواهیم برای ضد فراغت مثالی از روابط عاشقانه بزنیم، می‌توان گفت به همراه معشوقه بیرون رفتن به دلیل وقت‌گیر بودنش تا حد زیادی منسوخ شده است. این عمل جای خود را به خوش‌گذرانی‌های شبانه داده است. به همین صورت، یک اقتصاددان سوئدی به نام لیندر در کتاب طبقه‌ی ویران‌کننده‌ی فراغت (۱۹۷۰)، نوشته است که امروزه بی‌بند و باری جنسی در درجه‌ی نخست به دلیل تمایل به سرعت بخشیدن به ایجاد رابطه‌ی جنسی و دست یافتن به چیزی است که نتیجه‌ی فوری

روابط نزدیک است. وجود و توسعه‌ی رشته‌ی جامعه‌شناسی فراغت (که همان تحقیق در چگونگی صرف اوقات بیکاری در جوامع و گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی است) گواه این می‌باشد که تمدن انسانی پس از قرن‌های طولانی که شاهد تلاش سخت و کارکردن دشوار بوده است از حدود اوایل نیمه‌ی قرن بیستم به روزگار تازه‌ای قدم نهاده است که در آن قسمتی از جمعیت جهان که به ممالک پیشرفته تعلق دارد از آسایش و رفاه بی‌سابقه‌ای بهره‌مند است. در ضمن در جوامع رشد یافته فراغت به همه‌ی طبقات مردم تعمیم یافته است.

بر این اساس آن‌ها سه لایه‌ی درون شخصی، بین شخصی و ساختاری را در سلسله مراتب عوامل تشخیص داده‌اند. عوامل درون شخصی مانند اعتماد به نفس، عوامل بین شخصی مانند ناتوانی در یافتن یک دوست و در سطح ساختاری می‌توان عامل فقر را نام برد. روشن است که این عوامل رفع شدنی هستند. عوامل برشمرده در بالا، از انجام مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت بر این فعالیت‌ها اثر می‌گذارند؛ اما برخی از عوامل دیگر همچون مذاکره می‌توانند بر روند و جهت مشارکت اثر گذارند و اهداف مشارکت کنندگان در این فعالیت‌ها را تا حدودی تغییر دهند (مک می‌کینگ و پورکایاستا، ۱۹۹۵؛ کی و جکسن، ۱۹۹۱؛ جکسن و راکز، ۱۹۹۵). مطالعاتی که بر موقعیت اجتماعی فرد توجه داشته‌اند بر این باورند که ساختارهای اجتماعی به خودی خود بعنوان عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت عمل نمی‌کنند، بلکه بیشتر موقعیت فرد در این ساختارها عامل تأثیرگذار شمرده می‌شود (شاو و دیگران، ۱۹۹۱). برای مثال تجربیات فرد بعنوان یک فرد مستمند، سیاه یا سفید، پیر یا جوان، زن یا مرد هر کدام می‌تواند بر دستیابی به خدمات یا کالاهای تفریحی تأثیر بگذارد. برخی دیگر با ارائه‌ی بحثی مشابه، تأکید خود را بر موقعیت فرد در سلسله مراتب اجتماعی می‌گذارند. به باور این گروه نقش افراد بالغ در تعیین ماهیت اوقات فراغت افراد نوجوان و جوان مهم است. تأثیر والدین در فرایند تصمیم‌گیری بخصوص در اوایل دوره‌ی نوجوانی و جوانی و همچنین قطع فعالیت‌های اوقات فراغت مؤثر است. موقعیتی که جوانان در سلسله مراتب اجتماعی دارند نه تنها در درک آنها از عوامل و اجبارهای مؤثر بر اوقات فراغت اثر می‌گذارد، بلکه مذاکره‌ی سلسله مراتب اجبارها را پیچیده‌تر می‌کند (هالتسمن، ۱۹۹۲). اوقات فراغت و نحوه‌ی گذران آن یکی از شاخص‌های اساسی سبک زندگی به شمار می‌رود. به بیان دیگر شیوه‌ی زندگی افراد معمولاً خود را در گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد. در دنیای جدید این ماکس وبر بود که با طرح گروه‌های منزلتی راه را برای مطالعات سبک زندگی و فراغت و اهمیت دادن به آن باز کرد (کاتز - گرو، ۱۹۹۹). پس از او وبلن با طرح مصرف هم‌چشمانه بررسی‌های جدید سبک زندگی و فراغت طبقات تن‌آسا را مطرح کرد (وبلن،

۱۳۸۳). گره‌گاه این سنت وبر - وبلنی، نظریات سبک زندگی و فراغتی بورديو است که با تأکید بر طبقات و سبک زندگی که او آن را عادت‌واره می‌نامید، دیدگاه جدیدی را در عرصه‌ی فراغت و سبک زندگی به وجود آورد (وبلن، ۱۳۸۳).

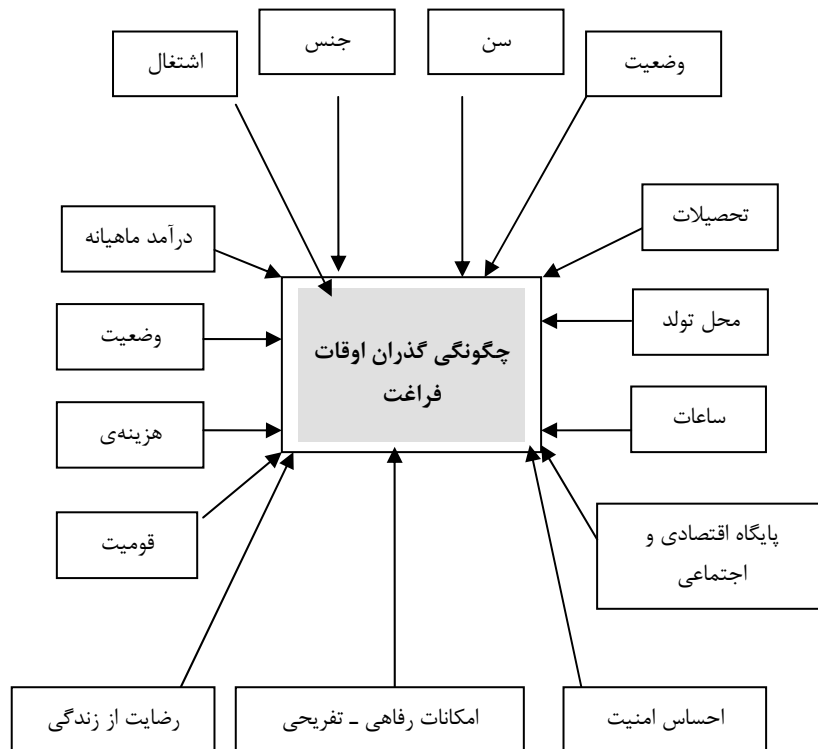
بین الگوهای فراغتی زنان و مردان برخی شباهت‌ها و برخی تفاوت‌ها به چشم می‌خورد؛ ولی زنان با دو مانع عمده روبرو هستند: تعهدات خانوادگی و به ویژه مشغله‌های بچه‌داری بسیاری از زنان را از شرکت در فعالیت‌های خارج از خانه باز می‌دارد؛ و در مورد بسیاری از زنان سالمندتر، محیط رشد آنها این اجازه را به آنها نمی‌دهد که در فعالیت‌های فیزیکی شرکت جویند.

نوع تحصیلات و طول مدت تحصیل در ارتباطی تنگاتنگ با محیط رشد، طبقه‌ی شغل، درآمد و دیگر عوامل تأثیرگذار بر فراغت هستند. همه‌ی این عوامل در میزان مشارکت بالاتر افراد نقش دارند. تحصیلات تا حدی نیز می‌تواند بر نوع فراغت انتخاب شده تأثیر بگذارد. شواهد متعددی در دست است که این مدعا را ثابت می‌کند؛ مثلاً مطالعاتی که بر روی سینماها و تئاترها و نیز کتابخانه‌ها انجام شده است نشان می‌دهد که نوع تحصیل چگونه می‌تواند بر انتخاب افراد تأثیرگذار باشد؛ مثلاً هنگامی که افراد عضو و غیر عضو را در کتابخانه‌های عمومی با یکدیگر مقایسه کردند، متوجه شدند که تفاوت عمده‌ای از نظر میزان تحصیلات با یکدیگر دارند. مان^۱ (۱۹۶۹)، در تحقیق خود به این نتیجه رسید که ۵۷ درصد کل مخاطبان نمایشنامه‌ها، ۴۲ درصد مخاطبان اپرا و ۳۳ درصد مخاطبان باله، افرادی هستند که تحصیلات دانشگاهی دارند؛ همچنین به این نتیجه رسید که عامل تحصیلات نقش برجسته‌تری از طبقه‌ی اجتماعی در پرداختن به این امور دارد. به غیر از مخاطبان پانتومیم، مخاطبان همه‌ی نمایش‌ها، اولاً بالای ۱۹ سال سن داشتند و در ثانی، درصد بسیار بالایی از آنها دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. ولی تا اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ تعداد زنانی که در شنا شرکت می‌کردند بیش از مردان بود. ماهیت و مفهوم طبقه-ی اجتماعی عموماً مشکل‌ساز تلقی می‌شود. طبقه‌ی اجتماعی را می‌توان به این صورت تعریف کرد: گروهی از مردم که بر اساس شغلشان طبقه‌بندی شده‌اند (راید، ۱۹۷۷). به دلیل وجود ارتباط متقابل بین طبقه‌ی اجتماعی و میزان درآمد و تحصیلات، عموماً چنین انگاشته می‌شود که طبقه‌ی اجتماعی، که شغل فرد آن را رقم می‌زند، تأثیرگذارترین عامل بر روی میزان فعالیت‌های فراغتی است؛ بنابراین شغل افراد یک ویژگی مستقل نیست، بلکه ارتباط تنگاتنگی با عوامل دیگر دارد. بر اساس تحقیقی که به عمل آمده است، کارگران حرفه‌ای بسیار بیشتر از کارگران ساده تمایل به شرکت در فعالیت‌های فراغتی دارند. این نسبت به ویژه به نحو شگفت‌آوری درباره‌ی میزان شرکت این دو دسته کارگر

^۱ Mann

در فعالیتهای ورزشی در فضای باز مصداق دارد (بیش از نیمی از کارگران حرفه‌ای به شرکت در این فعالیتهای اشتیاق نشان می‌دهند ولی این میزان در مورد کارگران ساده کمتر از ۲۰ درصد است). حتی تماشای فوتبال نیز در بین کارگران حرفه‌ای رایج‌تر است و این موضوع تنها محدود به ورزش و هنر هم نمی‌شود. رفتن به پیک‌نیک، دیدار از مناظر زیبا، باغبانی و پرداختن به سایر سرگرمی‌ها نیز در میان کارگران ساده و کارگران حرفه‌ای از این قاعده تبعیت می‌کند؛ حتی بافتنی نیز در میان کارگران حرفه‌ای زن بیش از کارگران ساده زن طرفدار دارد. طبق این گزارش، فقط دو فعالیت هست که کارگران ساده بیشتر از کارگران حرفه‌ای به آن می‌پردازند: شرط‌بندی روی فوتبال و بازی بینگو.

مدل نظری پژوهش



یافته‌های پژوهش

فرضیه‌ی اول: به نظر می‌رسد بین جنس و چگونگی اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱: توزیع متغیر جنسیت و اوقات فراغت

	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	کل
مرد	۰/۰۳۱۹	۱/۱۶۵	۳/۳۸	۲۷۷
زن	۰/۰۳۶۵	۱/۱۳۵	۲/۳۴	۱۲۳
کل	۰/۰۲۴۰	۱/۱۵۲	۲/۷۲	۴۰۰

جدول ۲: آزمون تحلیل واریانس یکطرفه‌ی متغیر جنسیت و اوقات فراغت

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجذورات
۰/۰۲۰	۵/۲۱۳	۳۰/۱۱۲	۱۰	۳۰،۲۳۱
		۴۶	۳۹۹	۴۶/۰۱۲
			۴۰۰	۷۶/۲۳۱

جدول ۲ گویای آن است که آزمون مناسب برای متغیر کیفی جنسیت و متغیر کمی وابسته اوقات فراغت، فرضیه‌ی مطرح شده را تأیید می‌کند. با توجه به سطح معناداری که ۰/۰۲۰ شده است که کمتر از سطح مفروض ۰/۰۵ می‌باشد و این نشان‌دهنده‌ی رد فرض صفر می‌باشد بعبارتی نتیجه‌گیری می‌نماییم که به احتمال ۰/۹۵ فرضیه‌ی فرض صفر درست نیست و بین جنسیت و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم: بین سن و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون بین سن و اوقات فراغت

تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
۴۰۰	-۰/۴۱	۰/۰۰۰

جدول ۳ نشان می‌دهد که بین سن و اوقات فراغت رابطه‌ی معکوس وجود دارد یعنی هر چه سن کمتر باشد بیشتر اوقات فراغت وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج جدول می‌توان نتیجه‌گیری نمود که هر چه سن کمتر باشد اوقات فراغت بیشتر می‌باشد.

فرضیه‌ی سوم: بین محل تولد و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۴: توزیع متغیر محل تولد و اوقات فراغت

	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	کل
بومی	۰/۰۳۱۰	۱/۱۴۸	۳/۴۶	۲۱۷
غیر بومی	۰/۰۳۸۰	۱/۱۶۸	۳/۲۳	۱۸۳
کل	۰/۰۲۴۰	۱/۱۵۲	۳/۳۴	۴۰۰

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس یکطرفه بین متغیر محل تولد و اوقات فراغت ANOVA

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجذورات
۰/۲۳۴	۰/۰۰۱	۲۸/۱۱۲	۴	۳۰/۱۴۵
		۳۴/۱۲۴	۳۹۵	۳۰/۱۵۱
			۳۹۹	۳۰/۱۹۶
				کل

جدول ۵ نشان می‌دهد که آزمون تحلیل یکطرفه برای دو متغیر محل تولد (بومی و غیر بومی) و متغیر اوقات فراغت رابطه‌ی آماری معناداری وجود ندارد. به عبارتی می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه وجود ندارد نتایج جدول نشان می‌دهد که سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین فرض صفر تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی چهارم: بین وضعیت مسکن و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۶: آزمون آماری T استودنت برای وضعیت مسکن و اوقات فراغت

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	کل	وضعیت مسکن
۰/۵۸۵	۱/۵۱۴	۲/۱۱	۱۹۱	خوابگاه
۰/۰۲۳۴	۱/۲۷۹	۸/۷۹	۲۰۹	پدری

جدول ۶ نشان می‌دهد که میانگین برای کسانی که در خانه‌ی پدری سکونت دارند بیشتر می‌باشد به عبارتی می‌توان گفت کسانی که در خوابگاه به سر می‌برند نسبت به خانه‌ی پدری از اوقات فراغت کمتری برخوردارند.

فرضیه‌ی پنجم: بین اشتغال و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۷: آزمون آماری T استودنت برای وضعیت اشتغال و اوقات فراغت

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	کل	وضعیت اشتغال
۰/۰۵۸۵	۱/۴۰۴	۱/۲۳	۱۳۹	شاغل
۰/۰۱۳۴	۱/۳۴۹	۲/۷۸	۲۶۱	غیر شاغل

جدول ۷ نشان می‌دهد که میانگین بیشتر برای کسانی است که غیر شاغل بوده‌اند؛ لذا می‌توان گفت افراد غیر شاغل اوقات فراغت بیشتری دارند.

فرضیه‌ی ششم: بین هزینه‌ی ماهیانه و درآمد رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۸: آزمون همبستگی پیرسون برای هزینه‌ی ماهیانه و اوقات فراغت

		اوقات	هزینه‌ی ماهیانه
اوقات فراغت	همبستگی پیرسون	۱	-۵۱
	معناداری		۰/۲۳۱
	<i>N</i>	۳۹۹	۳۹۹
هزینه‌ی ماهیانه	همبستگی پیرسون	-۵۱	
	معناداری	۰/۲۳۱	
	<i>N</i>	۳۹۹	۳۹۹

جدول ۸ نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه‌ی معکوسی وجود دارد یعنی هر چه هزینه‌ی ماهیانه بالا باشد اوقات فراغت کمتر می‌باشد. به عبارتی بین دو متغیر رابطه‌ی عکس وجود دارد. میزان این رابطه ۰/۵۱- می‌باشد.

فرضیه‌ی هفتم: بین درآمد و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۹: آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر درآمد و اوقات فراغت

		اوقات	درآمد
اوقات فراغت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۴۸
	معناداری		۰/۰۰۲
	<i>N</i>	۴۰۰	۴۰۰
درآمد	همبستگی پیرسون	۰/۴۸	۱
	معناداری	۰/۰۰۲	
	<i>N</i>	۴۰۰	۴۰۰

نتایج تحلیل جدول ۹ نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه‌ی مستقیم و مثبتی وجود دارد یعنی با افزایش درآمد اوقات فراغت افزایش و با کاهش درآمد اوقات فراغت کاهش می‌یابد. میزان این ارتباط حدود ۴۸ درصد می‌باشد.

فرضیه‌ی هشتم: بین قومیت و اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰: آزمون آماری T استودنت برای قومیت و اوقات فراغت

فراغت	قومیت	کل	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
	متعصب	۱۸۰	۳/۲۳۹۸	۳/۳۶۴۵۳	۰/۰۵۴۸۴
	غیر متعصب	۲۲۰	۲/۳۱۱۱	۳/۱۳۷۴۴	۰/۰۴۹۲۳

نتایج تحلیل جدول بالا نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه وجود دارد؛ همان‌طوری که در جدول آمده است اختلاف میانگین‌ها به نفع افراد متعصب است بنابراین قومیت با سطوح متعصب و غیر متعصب و اوقات فراغت معنا دار می‌باشند.

فرضیه‌ی نهم: بین ساعات فراغت و اوقات فراغت رابطه‌ی معنا داری وجود دارد.

جدول ۱۱: آزمون همبستگی پیرسون برای ساعات فراغت و اوقات فراغت

		اوقات	ساعات
اوقات فراغت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۳۶
	معناداری		۰/۰۰۰
	N	۴۰۰	۴۰۰
ساعات	همبستگی پیرسون	۰/۳۶	۱
	معناداری	۰/۰۰۰	
	N	۴۰۰	۴۰۰

جدول نشان می‌دهد که همبستگی بین دو متغیر وجود دارد. میزان این ارتباط ۰/۳۶ می‌باشد و می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه‌ی مستقیم و مثبتی وجود دارد.

فرضیه‌ی دهم: بین امکانات رفاهی - تفریحی و اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

جدول ۱۲: آزمون همبستگی پیرسون برای امکانات رفاهی و تفریحی و اوقات فراغت

		اوقات	امکانات
اوقات فراغت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۵۴
	معناداری		۰/۰۰۰
	N	۴۰۰	۴۰۰
امکانات	همبستگی پیرسون	۰/۵۴	۱
	معناداری	۰/۰۰۰	
	N	۴۰۰	۴۰۰

خروجی جدول پیرسون برای دو متغیر امکانات رفاهی - تفریحی و اوقات فراغت گویای آن است که بین دو متغیر رابطه‌ی مستقیم و نسبتاً بالایی وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه‌ی آماری معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی یازدهم: بین احساس امنیت اجتماعی و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳: آزمون همبستگی پیرسون برای احساس امنیت اجتماعی و اوقات فراغت

		اوقات	امنیت
اوقات فراغت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۳۶
	معناداری		۰/۰۰۰
	<i>N</i>	۴۰۰	۴۰۰
امنیت	همبستگی پیرسون	۰/۳۶	۱
	معناداری	۰/۰۰۰	
	<i>N</i>	۴۰۰	۴۰۰

تحلیل نتایج جدول همبستگی نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. این رابطه حدود ۳۶ درصد و در نسبتاً بالایی است و سطح معناداری نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و می‌توان نتیجه گرفت که اوقات فراغت از احساس امنیت اجتماعی متأثر می‌باشد.

فرضیه‌ی دوازدهم: به نظر می‌آید بین رضایت از زندگی و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۴: توزیع متغیر رضایت از زندگی و اوقات فراغت

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	کل	رضایت از زندگی
۰/۰۳۱۹۴	۱/۱۳۵۱۷	۳/۸۷۱۲	۲۱۸	خوب
۰/۰۳۶۵۶	۱/۱۳۵۰۹	۲/۴۴۵۶	۱۸۲	نه چندان خوب
۰/۰۲۴۰۶	۱/۱۵۲۵۳	۲/۴۵۵۳	۴۰۰	کل

جدول ۱۵: آزمون تحلیل واریانس یک طرفه متغیر رضایت از زندگی و اوقات فراغت

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجزورات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجزورات	
۰/۰۰۰	۰/۳۳۴	۰/۶۸۲	۴	۰/۳۳۲	بین گروهی
		۰/۲۹۶۱	۳۹۲	۳۳۱۲/۱۵۱	درون گروهی
			۳۹۶	۳۳۱۲/۴۸۳	کل

آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که به احتمال ۹۵ درصد فرضیه‌ی صفر مبنی بر عدم رابطه رد می‌شود به عبارتی می‌توان با استناد به نتایج جدول تحلیل واریانس و سطح معناداری گفت بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی سیزدهم: بین تحصیلات و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۶: توزیع فراوانی متغیر تحصیلات

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	کل	
۰/۰۴۱۰۱	۱/۳۵۸۹۸	۱/۴۴۵۹	۵۵	کمتر از دیپلم
۰/۰۵۴۷۴	۱/۴۰۷۳۸	۲/۲۹۹۱	۶۹	دیپلم
۰/۰۵۶۹۲	۱/۳۲۳۹۵	۰/۱۱۲۳۱	۲۷۶	تحصیلات عالی
۰/۰۲۸۴۸	۱/۳۶۵۷۳	۰/۸۷۹۹۱	۴۰۰	کل

جدول ۱۷: آزمون آماری تحلیل واریانس یک طرفه برای متغیر تحصیلات و اوقات فراغت ANOVA

سطح معناداری	مقدار F	میانگین مجزورات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجزورات	
۰/۰۲۲	۳/۷۴۱	۰/۱۷۷۳	۴	۰/۵۲۱	بین گروهی
		۱/۸۶۳	۳۹۲	۴۱۲۵/۱۲۰	درون گروهی
			۳۹۶	۴۱۲۵/۱۲۰	کل

جداول فوق نشان می‌دهند که افرادی که تحصیلات دیپلم دارند از ساعات اوقات فراغت بیشتری برخوردارند و افراد دارای تحصیلات عالی از کمترین میانگین؛ و از طرفی سطح معناداری تفاوت میانگین‌ها نیز کمتر از سطح معناداری ۰/۰۲۲ می‌باشد و نتیجه می‌گیریم به احتمال ۹۵ درصد در جمعیت نیز حداقل بین میانگین اوقات فراغت و تحصیلات نیز وجود دارد.

فرضیه‌ی چهاردهم: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۸: آزمون همبستگی پیرسون برای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و اوقات فراغت

		اوقات	پایگاه
اوقات فراغت	همبستگی پیرسون	۱	۰/۲۳
	معناداری		۰/۰۰۰
	<i>N</i>	۴۰۰	۴۰۰
پایگاه	همبستگی پیرسون	۰/۲۳	۱
	معناداری	۰/۰۰۰	
	<i>N</i>	۴۰۰	۴۰۰

جدول ۱۸ نشان می‌دهد بین دو متغیر رابطه‌ی آماری معناداری وجود دارد به طوری که با افزایش پایگاه اوقات فراغت نیز افزایش و با کاهش یکی دیگری نیز کاهش و میزان این رابطه حدود ۲۳ درصد می‌باشد.

فرضیه‌ی پانزدهم: بین وضعیت تأهل و اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

جدول ۱۹: آزمون آماری *T* استودنت برای وضعیت تأهل و اوقات فراغت

اوقات فراغت	تأهل	کل	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
	مجرد		۱۴۱	۲/۹۸۳۳	۱/۳۷۰۴۹
متأهل		۲۵۹	۱/۴۴۷۱	۱/۵۹۹۳۵	۰/۰۵۰۵۲

جدول ۱۹ نشان می‌دهد که میانگین برای افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل می‌باشند و از طرفی سطح معناداری تفاوت‌ها نیز مؤید این است که به احتمال ۹۵ درصد فرضیه‌ی صفر رد می‌شود و این اختلاف نیز در جمعیت وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که میان متغیرهای زمینه‌ای سن، جنسیت و محل تولد با اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. افراد در سنین پایین‌تر اوقات فراغت بیشتری دارند و ضروری است در برنامه‌ریزی‌ها این موضوع در نظر گرفته شود. از سوی دیگر توجه به این نکته که کسانی که در خوابگاه به سر می‌برند نسبت به خانه‌ی پدری از اوقات فراغت کمتری برخوردارند نشان می‌دهد فراغت دانشجویان به مراتب کمتر از سایر اقشار است. همچنین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد ارتباط مستقیم و مثبتی با اوقات فراغت دارد و هر چه پایگاه افراد ارتقا یابد اوقات فراغت افراد نیز افزایش می‌یابد؛ همچنین می‌توان گفت افراد با تحصیلات کمتر و مجردها اوقات فراغت بیشتری دارند و احساس امنیت و وجود امکانات رفاهی و رضایت از زندگی ارتباط مستقیمی با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت شهروندان دارند.

فهرست منابع:

- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم.
- احمدی، س ع؛ (۱۳۷۵). روانشناسی جوانان شاخص‌های رفتاری، تهران، انتشارات شعله، چاپ اول.
- اسلامی، احمدعلی؛ وکیلی، محمدعلی و فرجی، جمشید (۱۳۸۱). "میزان افسردگی دانشجویان رشته‌ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گرگان و رابطه‌ی آن با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت"، مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، سال چهارم، مشاوره، ۹. الصحیفه‌ی السجادیه، دفتر نشر الهادی، قم (۱۳۷۶).
- پاک‌سرشت محمدجعفر و الهام‌پور، حسین (۱۳۸۴). "بررسی مشکلات گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران"، مجله‌ی علوم تربیتی و روانشناسی (ویژه‌نامه‌ی علوم تربیتی)، ۱۲ (۴).
- پوراسماعیل، احسان (۱۳۸۵). بهره‌وری از اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه‌شناسان و مقایسه‌ی آن با آموزه‌های وحیانی، مجله‌ی پژوهشی دینی، شماره‌ی ۱۴.
- تندنویس، ف؛ (۱۳۷۵). بررسی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت دانشجویان کشور با تأکید بر فعالیت ورزشی، پایان‌نامه‌ی در دانشکده‌ی تربیت بدنی، دانشگاه تهران.
- جعفری‌حجین، افسر؛ شب‌خیز، فاطمه و مشهوری مرضیه (۱۳۸۵). "بررسی میزان اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران با تأکید بر تربیت بدنی"، فصلنامه‌ی حرکت، (پیاپی ۲۷).
- جهانبخش، الف (۱۳۷۸). بررسی شیوه‌ی گذران اوقات فراغت دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن در واحد دهقان، گزارش طرح تحقیقاتی، دانشگاه آزاد واحد دهقان.
- حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴). تحف‌العقول، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
- حسینی معصومه؛ رحیمی لیلا؛ آجرلو، زهرا؛ مجیدی زهره؛ روزبهانی نسرین (۱۳۸۵). "بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت در بین زنان منطقه‌ی تحت پوشش پایگاه تحقیقات جمعیتی دکتر محمد قریب شهر اراک در سال ۱۳۸۴"، ره‌آورد دانش، تابستان، (ویژه‌نامه‌ی تحقیقات جمعیتی)، شماره‌ی ۹.
- زاهدی‌اصل، م. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی فراغت، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات کیهان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شهبازی، عباس؛ خوش باطن، منوچهر؛ نقیلی، بهروز؛ ابراهیمی ممقانی، مهرانگیز (۱۳۸۲). "وضعیت گذراندن اوقات فراغت جمعیت بالای ده سال منطقه‌ی شمال غرب تبریز"، مجله‌ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۳۷(۵۹) پاییز.

قران مجید، سوره‌ی بقره.

صالحین، شهرزاد (۱۳۸۲). "نحوه‌ی صرف وقت زنان روستایی"، پژوهش زنان، ۱(۷)، پاییز. طالب، مهدی (۱۳۸۰). شیوه‌های عملی مطالعات اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

ظفری، الف؛ تندنویس، ف (۱۳۸۲). "مطالعه‌ی مقایسه‌ای اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه‌های ایران پزشکی، غیر پزشکی، و آزاد، با تأکید بر ورزش"، مجله‌ی حرکت و ورزش، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۲.

کرلینجر، فرد. ان (۱۳۷۶). نمونه‌گیری در تحقیق، تهران، انتشارات سمت.

میلر، دلبرت (۱۳۸۰). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی.

منصورفر، کریم (۱۳۸۰). روش‌های آماری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.

نیک‌پور، صغری؛ حاجی کاظمی، افتخارالسادات؛ حقانی، حمید (۱۳۸۴). "بررسی نوع و مدت فعالیت‌های فیزیکی زنان شاغل در حیطه‌های شغلی و اوقات فراغت در دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران"، مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۲(۴۶)، تابستان.

موریش، ایور (۱۳۷۳). درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، به ترجمه‌ی غلامعلی سرمد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۷۹). اصول برنامه‌ریزی اوقات فراغت، گویه، تهران، چاپ اول.

همو، ع (۱۴۱۳ ق.). الاختصاص، کنگره‌ی شیخ مفید، قم.

Artistotle (1952). Aristol 2. Great book of the western world, Encyclopedia Britanicnica, Chicago, IL.

Astrid N, Thuen F. (2002). "School journeys and leisure activities in rural and urban adolescents in Norway", Health Promot Int; 17(1): 21-30.

Beatty Sh, Jeon JK, Albaum G, Murphy B. A. (1994). "Cross-national study of leisure activities", Journal of Cross-Cultural Psychology; 25(3): 409-22.

Bergin, D. A. (1992). "Leisure activity, motivation and academic achievement in high school students", *Journal of Leisure Research*, Vol. 24, p. 225-239.

Brayman, A. & Cramer, D. (1995). *Quantitative Data Analysis for Social Scientists*, London: Routledge.

Brightbill, C. K. (1963). *The Challenge of Leisure*, Prentice-Hall, New York.

Caldwell, L. L., Darling, N. (1999). "Leisure context, parental control, and resistance to peer pressure as predictors of adolescent partying and substance use: An ecological perspective", *Journal of Leisure Research*, Vol. 31, No. 1, p. 57-77.

Chubb, M. & Chubb, H. (1981). *One third of our time*, Wiley, chic ester.

Clark, A.C. (1956). "The use of leisure and its relation to levels of occupational prestige", *American Sociological Review*, Vol. 21, p. 301-307.

Coodale, T. & Godbey, G. (1988). *The Evolution of the leisure*, Venture publishing, State College, PA.

Crawford, D. Jackson, E., & Godbey, G. (1991). "A hierarchical model of leisure constraints", *Leisure Science*, Vol. 13, p. 309-320.

Cutten, G. B. (1929). *The threat of leisure*, Yale University press, Newhaven, p.2.

Cutten, G. B. (1929). *The threat of leisure*, Yale University press, New Haven, Conn.

Czabak-Garbacz R, Skibniewska A, Mazurkiewicz P, Gdula A. (2002). "Ways of spending leisure time by the third year-students of the Faculty of Pharmacy", *Medical University of Lublin. Ann Univ Mariae Curie Sklodowska [Med]*; 57(1): 257-63.

De Grazia, S. (1962). *Of time, Work and leisure*, Doubleday, New York.

De Toqueville, A. (1998). *Democracy in America*, (translated by H. Reeve), Colonial press, New York, Vol. 1 and 2.

Dumanedier, J. (1967). *Toward a society of leisure*, W.W. Norton, New York.

ETB & Long Wootton J. (1989). *Retail, Leisure and Tourism*, London.

Fitzgerald, M. (1995). "Leisure activities of adolescent school children", *Journal of Adolescence*, Vol. 18, Issue 3, p. 349-359.

Frank, G. R. (2006). "Frequency of Attendance at Religious Services and Leisure- Time Physical Activity in American Women

and Men: The Third National Health and Nutrition Examination Survey”, *Annals of Behavioral Medicine*, Vol. 31 Issue 1, pp. 30-35.

Friedenreich CM, Cournya KS, Bryant HE. (1998). “The lifetime total physical activity questionnaire: development and reliability”, *Official journal of the American collage of sports medicine*, 30(2): 266- 74.

Friedenreich CM, Cournya KS, Bryant HE. (1998). “The lifetime total physical activity questionnaire: development and reliability”, *Official journal of the american collage of sports medicine*, 1998; 30(2): 266- 74.

Godbey, G. (1975). *Anti-leisure and public recreation policy*, in Parker, S. et al. (eds) *Sport and leisure in contemporary society*. Leisure studies Association, London.

Godbey, G. (1978). *Recreation, Park and Leisure services*. W.B. Saunders, Philadelphia, P. 8.

Hamelink, C. J. (1997). “New Information and Communication Technologies, Social Development and Cultural Change”, *United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD), Discussion Paper No. 86*.

Held, D. (2003). "Democracy and Globalization", [Online.]. <<http://www.mpi-fg-koeln.mpg.de/pu/workpap/wp97/wp.html>> [15 Oct 2004].

Hentey Centre (1989). *In retail, Leisure and tourism*, English Tourist Board/Jones Long wootton, London, p.9.

Jackson, E. L., & Rucks, V. C. (1995). “Negotiation of Leisure constraints by junior-high and high school students: An exploratory study”, *Journal of Leisure Research*, Vol. 27, p. 85-105.

Jackson, E. L. (1991). “Leisure constraints/constrained leisure: Special introduction”, *Journal of Leisure Research*, Vol. 23, p. 279-285.

Jackson, E. L. (1998). “Leisure constraints: A survey of past research”, *Leisure Science*, Vol. 10, 203-215.

Jackson, E. L., Crawford, D. & Godbey, G. (1993). “Negotiation for leisure constraints”, *Leisure Science*, Vol. 15, p. 1-11.

Kaplan, M. (1960). *Leisure in America*, Wiley, Newyork.

Kaplan, M. (1975). *Leisure theory and policy*, Wiley, New York. Chapter 1.

Katz-Gerro, T (2008). "Cultural consumption and social stratification: Leisure activities", *Journal of Leisure Research*, Vol. 38, Issue 3, p. 293-320.

Tasai, E. (2005). A cross cultural study of influence of perceived positive.